



- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
- رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جباری انصاری
- مدیرعامل و مدیر مسئول : علی متقیان
- سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
- سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
- تلفن: ۱۴ - ۸۸۵۰۴۱۱۳ - شماره ۴۷۱۱۱۳۳
- چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
- سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۰۴۱۲۰۰
- امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۵۲۱۹۵۴
- نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۸۸ - ۱۵۸۷۵

۱۰ سال پس از «باور او لاک»؛ فساد تمام شد یا فقط شکش عوض شد؟

اینفانتینو؛ مردی که فیفا را بلعید

می‌شود». امضاکنندگان نامه از فیفا خواستند به «شکاف‌های ساختاری کلیدی» در مدل حکمرانی خود، به‌ویژه «رابطه عمیقاً مشکل‌دار قدرت اجرایی با اتحادیه‌های عضو»، رسیدگی کنند .

وقتی پول، رأی می‌خرد

یکی از مهم‌ترین ابزارهای نفوذ رئیس فیفا، نظام توزیع منابع مالی میان فدراسیون‌های عضو است. فیفا از طریق برنامه «FIFA Forward» منابع قابل‌توجهی را در اختیار فدراسیون‌های ملی قرار می‌دهد. در ساختار انتخاباتی فیفا نیز هر کشور، فارغ از اندازه، جمعیت یا قدرت اقتصادی، یک رأی دارد. در ظاهر، این مدل دموکراتیک است؛ اما منتقدان می‌گویند همین ساختار می‌تواند به ابزاری برای تثبیت قدرت رئیس تبدیل شود. کشورهای کوچک‌تر و فدراسیون‌هایی که وابستگی بیشتری به منابع مالی فیفا دارند، انگیزه کمتری برای مقابله با ساختار موجود خواهند داشت؛ چراکه رأی آنها از نظر سیاسی ارزشمند است و منابع فیفا نیز پرایشان خاتمی. نام سرگشاده منتقدان در سال ۲۰۲۵ تأکید می‌کند که اگرچه فیفا بخش بزرگی از درآمد خود را میان اتحادیه‌های عضو توزیع می‌کند، «شواهد قابل‌تأیید اندکی وجود دارد که تأثیر اصلی این توزیع، توسعه فوتبال بوده باشد» و در مقابل، «شواهد قابل‌توجهی» نشان می‌دهد که هدف اصلی این منابع، تضمین وفاداری اتحادیه‌های عضو بوده است. چنین مدلی، به‌گفته منتقدان، نه‌تنها رفتار اخلاقی را تضعیف می‌کند، بلکه اصلاحات مؤثر داخلی را نیز دشوار یا حتی ناممکن می‌سازد. یونیتا مرسیداس، مدیر سابق فوتبال استرالیا به افشای فساد فیفا در دهه ۲۰۰۰ نقشی کلیدی داشت، نیز معتقد است تغییر مقررات الزاماً به معنای تغییر فرهنگ نیست. او می‌گوید: «من در دوران بالاتر در درون فیفا بودم؛ جایی که تخلفات علنی بود و نیاز به اصلاحات درک نمی‌شد. یورش‌های ۲۰۱۵ یک حساب‌کشی بود. اما ۱۰ سال بعد، هرچند ممکن است تحت نظر اینفانتینو رویه‌ها سیاست‌هایی در کار باشد، فرهنگ همچنان همان است. و وقتی پای رویه در برابر فرهنگ به میان می‌آید، فرهنگ همیشه برنده است.»

۹ میلیارد دلار؛ بزرگ‌ترین نمایش پول در تاریخ ورزشی

در سوی دیگر ماجرا، فیفای دوران اینفانتینو از نظر مالی بسیار قدرتمندتر از گذشته شده است. جام جهانی ۲۰۲۶ با ۱۰۴ بازی و حضور ۴۸ تیم، بزرگ‌ترین تورنمنت تاریخ فوتبال از نظر تعداد مسابقات و تیم‌هاست. اما آنچه پیش از ابعاد ورزشی این رویداد جلب توجه می‌کند، حجم عظیم پولی است که در اطراف آن گردش خواهد کرد.

جام جهانی ۲۰۲۶ حدود ۹ میلیارد دلار درآمد برای فیفا ایجاد کرده؛ رقمی تقریباً دو برابر درآمد المپیک پاریس ۲۰۲۴ و میلیی که آن را برای سودآورترین رویداد ورزشی تاریخ تبدیل می‌کند. چرخه تجاری ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶ فیفا، شامل حقوق پخش، قراردادهای اسپانسرشی و مجوزهای تجاری، نیز حدود ۱۳ میلیارد دلار درآمد داشته است.

تقریباً دو برابر شده است. خود فیفا می‌گوید میزان سرمایه‌گذاری مجدد در فوتبال نیز هفت برابر شده و از سال ۲۰۱۶ تاکنون حدود ۵ میلیارد دلار برای توسعه این ورزش هزینه کرده است. اما مسأله اینجااست که افزایش ثروت لاتران به معنای افزایش باسجکویی نیست. منتقدان معتقدند قدرت مالی فزاینده فیفا، همزمان با تمرکز قدرت در رأس سازمان، فضای مخالفت داخلی را محدودتر کرده است.

اعتبار فوتبال مهم‌تر از قدرت جهانی است

ماجدی: اینفانتینو باید از سرنوشت بالاتر درس بگیرد

واکنش

سید میرشاد ماجدی، رئیس هیأت فوتبال استان تهران، درباره دوران ریاست سپ بلاتر و اتفاقاتی که در سال‌های پایانی حضور او در فیفا رخ داد، گفت: «بلاتر به نوعی همراه فوتبال جهان بود و به خوبی بلد بود با افراد مختلف ارتباط برقرار کند. او مدبری بود که می‌توانست با رؤسای جمهور کشورهای مختلف ارتباط بگیرد و در واقع یک شومن تمام‌عیار بود. بلاتر شخصیت و قدرت ارتباطی بالایی داشت و سال‌ها توانست مدیریت فوتبال جهان را در دست داشته باشد.»

وی ادامه داد: «با این حال، بالاتر در یک مقطع مرتکب اشتباه بزرگی شد؛ جایی که

هشدار دوباره مادورو: تمرکز قدرت در فیفا، اصلاح ساختاری لازم است

منتقدان از مدت‌ها پیش معتقدند که کمک‌های مالی فیفا به فدراسیون‌های ملی، وابستگی عمیقی پدیدآورده و استقلال رأی آنان را تضعیف کرده است؛ وضعیتی که به گفته مادورو، بدون اصلاح واقعی ساختار قدرت، زمینه را برای تکرار بحران‌های مشابه فراهم می‌دارد. مادورو در پایان هشدار داد: «بدون اصلاحات بنیادین، چرخه بحران متوقف نخواهد شد.»

آغاز به کار برکنار شد، در توئیت‌های اخیر خود با صراحت نوشته است: «کافی نیست پروژه اینفانتینو را متوقف کنیم یا حتی او را کنار بگذاریم؛ فیفا نیاز به اصلاح ساختاری دارد.» حقوق‌دان پرتغالی همچنین تفسیر کنونی اساسنامه فیفا درباره محدودیت دوره‌های ریاست را «غیرقانونی» توصیف کرده و گفته است که اینفانتینو بر اساس مفاد موجود، نمی‌تواند برای دوره چهارم نامزد شود.

میکل مادورو، رئیس پیشین کمیته حکمرانی فیفا، بار دیگر نسبت به تمرکز قدرت در این نهاد جهانی فوتبال هشدار داد و تأکید کرد که صرفاً کنار گذاشتن جباری اینفانتینو، رئیس فعلی فیفا برای حل بحران‌های ساختاری کافی نیست. مادورو که در سال ۲۰۱۶ با وعده اصلاحات گسترده و در پی رسوایی زوربخ به فیفا پیوست، اما کمتر از یک سال پس از



است. درآمد‌ها تقریباً دو برابر شده، جام جهانی به بزرگ‌ترین رویداد ورزشی تاریخ از نظر ابعاد مسابقات تبدیل شده و نفوذ فیفا بر فوتبال جهان به سطحی کم‌سابقه رسیده است.

اما پشت این موفقیت اقتصادی، پرسش‌های جدی‌تری باقی مانده است: تمرکز بی‌سابقه قدرت در دست رئیس، تضعیف نهادهای نظارتی، روابط نزدیک با سیاستمداران جنجالی، مناقشات حقوق بشری، فرایندهای بحث‌برانگیز انتخاب میزبانان جام جهانی و طرح‌های تجاری‌ای که حتی اعتماد کنفدراسیون‌های قدرتمند فوتبال را خدشه‌دار کرده‌اند.

نامه سرگشاده منتقدان در سال ۲۰۲۵ صریح بود: «وقت آن رسیده که بپذیریم این اصلاحات نتوانسته‌اند دوره جدیدی از حکمرانی مسئولانه را در فیفا رقم بزنند و این سازمان از نظر ساختاری برای اداره فوتبال جهان نالایق است.»

در نهایت، مسأله تنها درباره اینفانتینو نیست؛ مسأله ساختاری است که به یک رئیس اجازه می‌دهد همزمان از قدرت مالی، و وقتی پای رویه و انتخاباتی گسترده‌ای برخوردار باشد و در عین حال با نظارت مستقل محدودی مواجه شود. سؤال اساسی همچنان بابرجاست: آیا فیفا واقعاً از بحران ۲۰۱۵ درس گرفته است، یا فقط مدیرانش تغییر کرده‌اند و ساختار بیمار آن دست‌نخورده باقی مانده است؟

یونیتا مرسیداس پاسخ خود را سال‌ها پیش داده بود: «۱۰ سال بعد، هرچند ممکن است رویه‌ها و سیاست‌هایی در کار باشد، فرهنگ همچنان همان است. و وقتی پای رویه در برابر فرهنگ به میان می‌آید، فرهنگ همیشه برنده است.» جام جهانی ۲۰۲۶ شاید بزرگ‌ترین نمایش فوتبال تاریخ باشد؛ اما برای منتقدان اینفانتینو، این رویداد تنها جشن فوتبال نیست. این تورنمنت می‌تواند همزمان نمایشی از قدرت، ثروت و نفوذ نهادی باشد که پس از یک دهه وعده اصلاحات، هنوز نتوانسته پرسش بنیادی درباره حکمرانی خود را پاسخ دهد.

میراث واقعی اینفانتینو، در نهایت، شاید نه صرفاً افزایش درآمدهای فیفا یا گسترش جام جهانی، بلکه ساختن ساختاری باشد که در آن قدرت رئیس چنان گسترده شده که اصلاح آن دشوارتر از همیشه به نظر می‌رسد؛ یک دهه پس از آن روز تاریخی در هتل «باور او لاک»، فیفا تحت ریاست جباری اینفانتینو درآمدهای خود را محدود کرد.

فوتبال آمریکای شمالی و آسیا به این طرح اعتراض کردند. در نامه مشترک آنها آمده بود: «فوتبال بزرگ‌ترین اشتیاق مشترک جهان است. به هیچ فردی و هیچ نهادی تعلق ندارد... وقتی اعتماد با فرباب از بین می‌رود، وقتی فردی خود را بالاتر از جمعی قرار می‌دهد که به او اختیار داده است، آن وظیفه رها شده است.» طرح تنها چند روز بعد، در پی مخالفت گسترده، کنار گذاشته شد؛ اما بحران به همین جا ختم نشد.

در اوت ۲۰۲۶، یوفا اعلام کرد در حال آماده‌سازی شکایت کیفری علیه اینفانتینو در دادگاه‌های سوئیس است. وکلای یوفا در سندی ۵۶ صفحه‌ای استدلال کرده‌اند که رقم ۴.۲ میلیارد دلار می‌تواند «قیمت‌گذاری متقلبانه و خارج از عرف بازار» باشد که اینفانتینو برای تأمین منافع شخصی خود آن را پیش برده است.

یوفا همچنین در دادگاهی در نیویورک خواهان دسترسی به مدارک مرتبط با صندوق سرمایه‌گذاری Thrive Capital Management شد؛ نهادی که جاشوا کوشنر، برادر جرد کوشنر، مشاور و داماد ترامپ، آن را تأسیس کرده است. فیفا در واکنش، یوفا را به راهدانداری «کارزار تخریب» علیه اینفانتینو و فدراسیون جهانی فوتبال متهم کرده است.

پایان دموکراسی در فیفا؟

اینفانتینو در ماه مه ۲۰۲۶ اعلام کرد برای سومین دوره چهارساله ریاست فیفا نامزد خواهد شد. طبق اساسنامه فیفا، دوره ریاست نباید از ۱۲ سال فراتر رود، اما کنفدراسیون‌های آمریکای جنوبی، آفریقا و آسیا که مجموعاً بیش از ۱۱۰ رأی از ۲۱۱ رأی ممکن را در اختیار دارند، از نامزدی او حمایت کرده‌اند. انتخابات ۲۰۲۷، که انتظار می‌رود اینفانتینو با رقیب جدی مواجه نشود، می‌تواند مسیر را برای دوره‌ای ۱۵ ساله در رأس فوتبال جهان هموار کند. الیشر امینوف، کارشناس بین‌المللی اقتصاد و حقوق و از کارشناسان فیفا، در تحلیلی درباره ساختار فعلی سازمان نوشته است: «در فیفای امروز، جایگاهی برای بحث دموکراتیک وجود ندارد. دو مشکل اساسی بر این سازمان حاکم است: یکی کارتل سیاسی با تمرکز خطرناک قدرت و نبود هرگونه نظارت مستقل مؤثر.»

امپراطوری شکست‌ناپذیر یا نهادی در بحران؟

امپراطوری شکست‌ناپذیر یا نهادی در بحران؟ یک دهه پس از آن روز تاریخی در هتل «باور او لاک»، فیفا تحت ریاست جباری اینفانتینو درآمدهای خود را محدود کرد.

و انتخاب برنده نقشی نداشته‌اند. منتقدان معتقدند اینفانتینو جایزه‌ای خلق کرد که بیش از آنکه یک ابتکار ورزشی باشد، به ابزاری برای جلب رضایت ترامپ تبدیل شد. او پیش‌تر ترامپ را «دوستی بسیار خوب» خوانده و گفته بود رئیس‌جمهور آمریکا «قطعاً مستحق» دریافت جایزه صلح نوبل است. کریگ مخبیر، مقام سابق سازمان ملل، این جایزه را «نوسعه‌ای واقعاً شرم‌آور» خواند و آن را تلاشی برای جلب نظر ترامپ و پنهان کردن کارنامه او در قبال اسرائیل، جنگ غزه و مسائل حقوق بشری دانست.

عربستان، قطر و پرسش‌های بی‌پاسخ درباره میزبانی

فرآیند انتخاب میزبانان جام جهانی نیز یکی دیگر از عرصه‌هایی است که منتقدان آن را نمادی از تمرکز قدرت در فیفا می‌دانند. در اواخر سال ۲۰۲۴، عربستان سعودی به عنوان تنها نامزد میزبانی جام جهانی ۲۰۳۴ انتخاب شد؛ فرایندی که تفاوت محسوس با رویه‌های گذشته داشت. فیفا تصمیم گرفت اعضای خود را در یک نشست واحد درباره میزبان جام جهانی ۲۰۳۰ و ۲۰۳۴ به رأی بگذارد؛ اقدامی که عملاً امکان رقابت جدی بر سر میزبانی را نیز توانست از بین حضور در بزرگ‌ترین تورنمنت ملی جهان را جبران کند. این پیروزی برای فیفا فراتر از شکست یک پروژه تجاری بود؛ نمایشی از قدرت ساختاری این نهاد در برابر حتی ثروتمندترین باشگاه‌های جهان.

رابطه با ترامپ؛ پایان بی‌طرفی سیاسی؟

شاید جنجالی‌ترین وجه ریاست اینفانتینو، روابط نزدیک او با دونالد ترامپ باشد؛ روابطی که از نگاه منتقدان، مرز میان مدیریت فوتبال و سیاست بین‌الملل را بیش از هر زمان دیگری مخدوش کرده است. اینفانتینو در مراسم تحلیف دوم ترامپ شرکت کرد، در اجلاس صلح غزه در مصر در کنار او حضور داشت و در دسامبر ۲۰۲۵، در مرکز فرهنگی کنی در واشنگتن، «جایزه صلح فیفا» را به ترامپ اهدا کرد.

این اقدام با واکنش‌های تند مواجه شد. سازمان حقوق بشری FairSquare با طرح شکایتی رسمی در کمیته اخلاق فیفا، اینفانتینو را به «سوءاستفاده از قدرت» و نقض مکرر تعهد بی‌طرفی سیاسی فیفا متهم کرد. به گفته این سازمان، اینفانتینو رویه‌های فیفا را دور زده و ۳۷ عضو هیأت‌رئیس‌ه فیفا، برخلاف قوانین خود سازمان، در معرفی جایزه، تعیین میزبانان آن

فیفا از نظر حقوقی سازمانی غیرانتفاعی محسوب می‌شود، اما قدرت اقتصادی و تجاری آن با بسیاری از غول‌های چندملیتی رقابت می‌کند. تفاوت اساسی این نهاد با بسیاری از سازمان‌های بزرگ ورزشی نیز آن است که بخش عمده درآمدش به یک محصول مرکزی، یعنی جام جهانی فوتبال مردان، وابسته است. همین وابستگی، قدرت چانه‌زنی بی‌سابقه‌ای به فیفا و شخص رئیس آن داده است؛ زیرا هیچ فدراسیون، باشگاه یا حتی ائتلافی از باشگاه‌های بزرگ نمی‌تواند به‌آسانی جایگزینی برای حجم پول، مخاطب و اعتبار جهانی جام جهانی ایجاد کند.

سوپرلیگ اروپا؛ نمایش قدرت مطلق

سال ۲۰۲۱، یکی از آشکارترین نمونه‌های قدرت فیفا در برابر باشگاه‌ها رقم خورد. زمانی که ۱۲ باشگاه بزرگ اروپایی تلاش کردند پروژه جنجالی سوپرلیگ اروپا را راه‌اندازی کنند، اینفانتینو موضعی سخت گرفت. پیام روشن بود: «با داخل هستید یا بیرون.» سوپرلیگ خیلی زود فروپاشید. یکی از عوامل مهم شکست پروژه، نگرانی بازیکنان از محرومیت از حضور در جام جهانی بود. برای بسیاری از ستاره‌های فوتبال، هیچ پروژه باشگاهی نمی‌توانست ارزش حضور در بزرگ‌ترین تورنمنت ملی جهان را جبران کند. این پیروزی برای فیفا فراتر از شکست یک پروژه تجاری بود؛ نمایشی از قدرت ساختاری این نهاد در برابر حتی ثروتمندترین باشگاه‌های جهان.

رابطه با ترامپ؛ پایان بی‌طرفی سیاسی؟

شاید جنجالی‌ترین وجه ریاست اینفانتینو، روابط نزدیک او با دونالد ترامپ باشد؛ روابطی که از نگاه منتقدان، مرز میان مدیریت فوتبال و سیاست بین‌الملل را بیش از هر زمان دیگری مخدوش کرده است. اینفانتینو در مراسم تحلیف دوم ترامپ شرکت کرد، در اجلاس صلح غزه در مصر در کنار او حضور داشت و در دسامبر ۲۰۲۵، در مرکز فرهنگی کنی در واشنگتن، «جایزه صلح فیفا» را به ترامپ اهدا کرد.

این اقدام با واکنش‌های تند مواجه شد. سازمان حقوق بشری FairSquare با طرح شکایتی رسمی در کمیته اخلاق فیفا، اینفانتینو را به «سوءاستفاده از قدرت» و نقض مکرر تعهد بی‌طرفی سیاسی فیفا متهم کرد. به گفته این سازمان، اینفانتینو رویه‌های فیفا را دور زده و ۳۷ عضو هیأت‌رئیس‌ه فیفا، برخلاف قوانین خود سازمان، در معرفی جایزه، تعیین میزبانان آن



میان آن فرد و مفهوم صلح وجود دارد. اگر کسی که سابقه با عملکردش با این مفهوم همخوانی ندارد، چنین جایزه‌ای دریافت کند، طبیعی است که درباره انگیزه و پیام این تصمیم پرسش‌هایی ایجاد شود.» ماجدی در پایان خاطرنشان کرد: «تاریخ فوتبال جهان نشان داده که قدرت بدون

طبیعتاً مدیریت روابط و جلب حمایت کشورها نیز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.» ماجدی ادامه داد: «در چنین شرایطی، هر تصمیمی می‌تواند پیامدهای سیاسی و بین‌المللی خودش را داشته باشد. نمی‌توان انتظار داشت فوتبال از فضای سیاسی جهان کاملاً جدا باشد، اما مسأله این است که فوتبال نباید تبدیل به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی یا توجیه رفتارهای خارج از چهارچوب ورزش شود.»

وی همچنین درباره برخی اقدامات جدید در ساختار فیفا گفت: «وقتی جایزه‌ای با عنوان صلح یا مفاهیم مشابه داده می‌شود، باید دید معیار انتخاب برنده چیست و چه نسبتی



نظارت و شفافیت می‌تواند برای مدیران بسیار خطرناک باشد. بالاتر سال‌ها در رأس فیفا بود، اما در نهایت مجبور شد کنار برود. اینفانتینو نیز باید از اتفاقاتی که برای مدیران پیش از خودش رخ داده، درس بگیرد و بداند حفظ اعتبار فوتبال مهم‌تر از حفظ قدرت یک فرد یا یک گروه است.»

نظارت و شفافیت می‌تواند برای مدیران بسیار خطرناک باشد. بالاتر سال‌ها در رأس فیفا بود، اما در نهایت مجبور شد کنار برود. اینفانتینو نیز باید از اتفاقاتی که برای مدیران پیش از خودش رخ داده، درس بگیرد و بداند حفظ اعتبار فوتبال جهان، مهم‌تر از حفظ قدرت یک فرد یا یک گروه است.»